

بینامتنی قرآن و نهج البلاغه با لامیه ابن وردی

دکتر علی صیادانی¹

نادر محمدی²

چکیده

از موضوعات مهم نقد ادبی معاصر که می‌توان به آن اشاره کرد، تناص و یا بینامتنی می‌باشد که در آن لفظ و یا معنا و یا هر دو از یک اثر به اثری دیگر انتقال می‌یابد. از مهم‌ترین آثار که مفاهیم آنان به اشعار شاعران جهان اسلام منتقل شده است قرآن و نهج البلاغه است زیرا هر دو همچون دریای خروشان هستند که مضامین و مفاهیم والا و برتر را به بشر عرضه می‌دارند. اکثر شاعران از این دو منبع گران‌قدر در اشعار خود بهره جسته و برخی معانی ناب آن‌ها را به رشته نظم در آورده‌اند که یکی از آنان ابن وردی شاعر دوره انحطاط می‌باشد. در عصر او به علت شرایط جامعه، برخی از شاعران به دین و مسائل مربوط به آن روی آورده بودند. این شاعر در لامیه مشهور خود که آن را در هفتاد و هفت بیت به عنوان نصیحت‌نامه‌ای به فرزند خود سروده است، از بیش تر سخنان قرآن و نهج‌البلاغه استفاده کرده و برای غنای سخن خود از آن‌ها مدد جسته است. او در برخی ابیات این لامیه، عین متن قرآن و یا نهج البلاغه را آورده و در برخی دیگر معنی و مفهوم آن‌ها را در میان کلام خود گنجانده است. از موضوعاتی که ابن وردی از قرآن و نهج البلاغه استفاده کرده است، می‌توان به گرایش به حق، طلب علم و دانش، عدم دل بستن به دنیا، میانه‌روی در کارها، دوری از سخن چینی و غیبت، مدارا با همسایه و کوتاه کردن آرزوها اشاره کرد. واژگان کلیدی: بینامتنی، ابن وردی، قرآن، نهج‌البلاغه، نقد ادبی معاصر.

1. استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول). ایمیل: alisayadany@yahoo.com.

2. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران. ایمیل: nader.mohammadi@gmail.com.

تاریخ پذیرش: 93/12/8

تاریخ دریافت: 93/9/7

در دوره انحطاط ادبیات عربی، به علت یورش مغول و ترویج زبان ترکی و همچنین افتادن کشورهای عربی به دست فرمانروایان ترک، جامعه عربی هم از لحاظ سیاسی اقتصادی و هم از نظر فرهنگی و اجتماعی افول کرد. همه این رویدادها سبب آن شد که در این دوره گروهی از مردم به لهو و لعب روی آورند و در چنگال فساد و تباهی درافتند و گروهی دیگر به دعا و مناجات و توسل به پیامبر (ص) و امامان (ع) بگروند و با امید به فردای روشن، از درد و رنج خود را تسلی دادند.

در این دوره، نویسندگان و شاعران به مضامین و مفاهیم دینی روی آوردند. کتاب های بسیار در این زمینه نگاشته شد و شاعران در اشعار خود از این مفاهیم سخن گفتند و قرآن و حدیث و روایت و دیگر کتب مذهبی مانند نهج البلاغه و کتاب های دعا و مناجات را بن مایه اشعار خود قرار دادند، یعنی در عصر انحطاط کمتر شاعری می توان یافت که اشعارش خالی از مفاهیم و مضامین دینی باشد. البته لازم به ذکر است که توجه به قرآن کریم و دیگر منابع دینی منحصر به عصر انحطاط نمی شود بلکه از زمان ظهور اسلام اکثر شاعران در اشعار خود از مضامین والای دینی بهره جسته اند اما در دوره انحطاط این رویکرد زیاد به چشم می خورد، زیرا قرآن کریم از دریای بی کران علم الهی نشأت گرفته و علاوه بر این که در اکثر مفاهیم علمی و ادبی سخن گفته است، خالی از هرگونه سهو و خطا می باشد و تمامی گفته هایش عین حق و صواب و در نزد همه خداپرستان و انسان های نیک سرشت مورد قبول است و این عوامل سبب شده است که شاعران و نویسندگان جهان اسلام همیشه از قرآن در نوشته ها و سروده هایشان استفاده کنند و برای تزیین و غنای سخن خود از این گوهر گران قدر بهره جویند. افزون بر قرآن کریم، نهج البلاغه هم مورد توجه ادبا و شعرا قرار گرفته، چون کتابی علمی و ادبی است که توسط اولین حافظ قرآن و برادر و وصی پیامبر (ص) به طالبان علم و ادب و حقانیت عرضه شده و لقب «اخوان القرآن» را به خود اختصاص داده است. نهج البلاغه دارای چنان جملات و مطالب ارزشمندی است که جز بر مسلمانان بر طرفداران دیگر ادیان الهی نیز تاثیر گذاشته است و از این میان می توان به نویسندگان و شاعر مسیحی لبنانی یعنی جرج جرداق اشاره کرد که با خواندن نهج البلاغه مسیر زندگی اش دگرگون می شود و تمام عمر خویش را صرف تحقیق و مطالعه درباره امام علی (ع) می کند. این بزرگی و

ارزشمندی نهج البلاغه سبب شده است که اکثر شعرای حقیقت بین در سرودن اشعارشان به این کتاب نظر داشته باشند و با استفاده از مطالب و جملات آن به زیبایی و ارزش شعر خود بیافزایند.

1- سؤالات تحقیق

1. آیا ابن وردی هم به مانند دیگر شاعران دوره انحطاط از مفاهیم قرآن کریم و نهج البلاغه در لامیه مشهور خود استفاده کرده است؟ و یا خیر؟
2. در صورت وجود بینامتنی قرآن و نهج البلاغه با لامیه ابن وردی، این بینامتنی از لحاظ لفظ و معنا چگونه می باشد؟

2- پیشینه تحقیق

با تحقیق و جستجو در مجلات مختلف و سایت‌های معتبر به این نتیجه رسیدیم که تا کنون در زمینه تناص یا بینامتنی قرآن کریم و نهج البلاغه با لامیه ابن وردی پژوهش و تحقیقی به انجام نرسیده است. و اما مقاله‌ای تحت عنوان «حکمت در شعر ابن وردی» توسط آقای محمود آبدانان مهدی‌زاده کار شده است که در مجله افق‌های تمدن اسلامی (آفاق الحضارة الإسلامية) چاپ شده است.

3- بینامتنی

یکی از رویکردهای مورد توجه در مطالعات مربوط به هنر و ادبیات در دهه‌های اخیر، رویکرد بینامتنی است. رویکرد بینامتنی بر این اصل اساسی استوار شده است که "هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست" و به عبارت دیگر هیچ متنی بدون ارتباط با متن‌های دیگر شکل نمی‌گیرد بلکه همواره با بهره‌گیری - خودآگاه یا ناخودآگاه - از متن‌های پیشین خلق می‌شود. دنیای متن‌ها، دنیایی پیچیده از روابط گوناگون درون‌متنی و بینامتنی است که بدون توجه به این روابط، شناخت کامل و واقعی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس، برخی از محققان بزرگ به‌ویژه در حوزه بینامتنیت همت خود را صرف شناخت و شناساندن روابط میان یک متن و متن‌های دیگر کرده‌اند. که مجموعه مطالعاتشان بینامتنیت را شکل داده است. احتمالاً برای نخستین بار، ژولیا کریستوا، در دهه 1960م در ترجمه تعبیر میخائیل میخائیلوویچ باختین از "گفت‌وگومندی" که در دهه 1930م آن را معرفی کرده بود، اصطلاح *intertextualité* (بینامتنیت) را به کار برد. گفت‌وگومندی به رابطه ضروری هر پاره‌گفتاری با پاره‌گفتارهای دیگر اطلاق می‌شود که از نظر باختین می‌تواند به هر

«مجموعه‌ای از نشانه‌ها»، خواه یک گفته، شعر، ترانه، نمایش و خواه یک فیلم، اشاره کند. در واقع، هر متنی محل تقاطع متون دیگر است. (کنگرانی و نامور مطلق، 1388: 1) محمد مفتاح از منتقدان معاصر عرب، از کریستوا تأثیر پذیرفته و از روابط بینامتنی با واژه «التنصص» تعبیر کرده است و آن را چنین تعریف می‌کند: بینامتنی تعامل متون گوناگون با یکدیگر در کم و کیف‌های مختلف است. (مختاری و محبی، 1393: 4)

بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: 1- متن حاضر که از آن به متن لاحق یا متن موجود نیز تعبیر می‌شود؛ 2- متن غایب که متن سابق یا متن مفقود نیز نامیده می‌شود؛ 3- روابط بینامتنی که نحوه تعامل متن حاضر و متن غایب و چگونگی ارتباط آن‌ها را بازگو می‌کند. (مسبوق و بیات، 1391: 4-5)

محمد بنیس به پیروی از ژولیا کریستوا، سه معیار را برای بازآفرینی متن غایب در متن حاضر به کار می‌برد که از آنها به قوانین بینامتنی تعبیر می‌کند. این معیارها عبارتند از: الف) قانون اجترار یا نفی جزئی: مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی، جزئی از متن غایب را در اثر خویش می‌آورد و متن حاضر، ادامه متن غایب است و در آن، کم تر شاهد نوآوری از سوی مؤلف می‌باشیم. این قانون، آسان‌ترین و سطحی‌ترین نوع روابط بینامتنی است که استفاده مؤلف از متن غایب، می‌تواند یک کلمه یا یک جمله یا یک حرف باشد که به شکل آگاهانه و بدون نوآوری از سوی مؤلف به کار می‌رود. ب) قانون امتصاص یا نفی متوازی: در این نوع از روابط بینامتنی، متن پنهان از سوی مؤلف پذیرفته می‌شود و به گونه‌ای در متن حاضر به کار می‌رود که جوهره آن تغییری نمی‌کند. ج) قانون حوار یا نفی کلی: در بین روابط بینامتنی، بالاترین سطح را دارا است و نیاز به خوانشی عمیق و مکرر دارد؛ به این گونه که مؤلف متن غایب را در متن خود، به شکلی به کار می‌برد که معنای آن به کلی متفاوت می‌گردد. به عبارتی دیگر؛ مؤلف متن غایب را بازآفرینی می‌کند و ابتکار و نوآوری خویش را به نمایش می‌گذارد. در این نوع، نیاز به آگاهی دقیق از متون غایب، مهم‌ترین اصل است. (مختاری و عربی، 1391: 7)

4- ابن وردی

نام او زین‌الدین عمر معروف به ابن وردی و در معرّة النعمان سوریه به دنیا آمده است. در دوره او ادبیات در شدیدترین وضع انحطاط قرار داشت. او به زبان و ادبیات روی آورد و در این زمینه به درجه‌ای والا از علم و دانش رسید، سپس شروع به تألیف در تاریخ و نحو و همچنین سرودن شعر نمود. او در سال 749 هجری در حلب وفات یافت. از ویژگی‌های بارز شعر او می‌توان به حکمت‌آمیز بودنش اشاره کرد که دارای شناختی عمیق از اخلاق و سرشت انسان‌ها و احوال و اتفاقات دنیا است. (فاخوری، 1986: 1048) ابن وردی به دانش و فرهنگ گسترده و تصنیفات زیاد در زمینه تاریخ، جغرافیا، فقه، زبان و نحو شناخته شده است. (آبدانان مهدی‌زاده، 2014: 2)

آثار او عبارتند از: نظم البهجة الوردية، تنمة المختصر فی أخبار البشر، تحرير الخصاصة فی تیسیر الخلاصة، الشهاب الثاقب، اللباب فی الإعراب، شرح ألفية ابن مالک، ضوء الدرة شرح ألفية ابن معط، ألفية فی تعبیر الأحلام، تذکرة الغریب، مقامات الأدب و منطق الطیر، بهجة الحاوی، اللامية و ألحان السواجع. (زماکی، 2006: 6)

5- بینامتنی قرآن و نهج البلاغه با لامیه ابن وردی

5-1: نمونه اول

متن حاضر:

إِعْتَرَلِ ذِكْرَ الْعَوَانِي وَالْغَزَلِ وَ قُلِ الْفَصْلَ وَ جَانِبَ مَنْ هَزَلِ
(همان: 9)

«از زیبارویان و از نغمه‌سرایان برای آنان دوری کن و سخن حق و راست را بگو و از کسی که بیهوده‌گویی می‌کند، کناره بگیر.»

متن غایب:

«إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَ مَا هُوَ بِالْهَزَلِ» (طارق/ 13-14)

«یقیناً که آن سخنی حق است و هرگز شوخی و بیهوده نیست.»

روابط بینامتنی:

ابن وردی در این قصیده زیبا و دلنشین پسر خود را نصیحت می‌کند، نصیحتی که شامل تمام انسان‌ها است. شاعر برای غنای سخنش دست به دامان قرآن کریم شده و از مفاهیم والای آن بهره جسته است. خداوند قرآن کریم را حق و راست می‌نامد و بیان می‌کند که آن هرگز شوخی و سخنی بیهوده نیست. ابن وردی هم با استفاده از این آیات، به فرزندش می‌گوید که همیشه دنبال سخن راست و حق باشد و از باطل و دروغ دوری کند و شوخی و بیهودگی را به زندگی خود راه ندهد و دنباله‌رو کسانی که سخنان بیهوده می‌گویند، نباشد. قرآن کریم در این آیات شوخی و بیهودگی را نکوهش می‌کند اما شاعر علاوه بر دوری از شوخی و بیهودگی، بیان می‌کند که باید از کسانی که دارای چنین اخلاقی هستند هم، دوری کرد.

2-5: نمونه دوم

متن حاضر:

هَلْكَ الْكُلُّ قَلَمٌ تُغْنِي الْقُلُلُ أَيْنَ مَنْ سَادُوا وَ شَادُوا وَ بَنُوا

(همان: 36)

«آنانی که بر مردمان سروری و حکومت کردند و کاخ‌ها و برج‌های بلند درست کردند، کجایند؟! همگی نابود شدند و آن کاخ‌ها و برج‌هایی که مانند قله کوه‌ها بلند بود هم از مرگ نجاتشان نداد.»

متن غایب:

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يَذْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» (نساء/ 78)

«هر کجا باشید شما را مرگ درمی‌یابد هر چند در برج‌های استوار باشید.»

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انبیاء/ 35)

«هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید.»

روابط بینامتنی:

قرآن کریم مرگ را رویدادی حتمی می‌داند و اشاره می‌کند که مرگ تمامی انسان‌ها را در خواهد یافت و یا این‌که هر جاندار مرگ را خواهد چشید پس هیچ راه گریز و فراری از دست

آن نیست هر چند که انسان دارای مال و ثروتی بیشتر باشد و برای مصون ماندن از دست مرگ برای خود برج‌ها و قلعه‌های محکم و استوار برپا کند و به آن‌ها پناه ببرد. ابن وردی هم این مفهوم را با بیانی دیگر به تصویر می‌کشد. او متذکر می‌شود که نه تنها انسان‌های عادی بلکه بزرگان و ثروتمندان و پادشاهانی هم که دارای مال و قدرت بودند، در چنگال مرگ گرفتار شدند و ثروت و کاخ‌های بلند نتوانست از دست مرگ نجاتشان دهد.

3-5: نمونه سوم

متن حاضر:

وَسَيَجْزِي فَاعِلًا مَا قَدْ حَصَلَ
سَيُعِيدُ اللَّهُ كَلًّا مِنْهُمْ

(همان: 39)

«خداوند همه آن‌ها را برمی‌گرداند و هر کسی به دست آورد خود خواهد رسید.»

متن غایب:

«وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ» (بقره/ 281)
«و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی (پاداش) آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.»

روابط بینامتنی:

بنا به فرمایش قرآن کریم تمامی انسان‌ها همان‌طور که توسط خداوند آفریده شده‌اند، در روز قیامت نیز همگی به سوی او بازمی‌گردند و هر کسی نتیجه کارهای خود را خواهد دید و در حق کسی ستم نخواهد شد. آنان که کارهای نیک انجام داده‌اند به پاداشی نیک از خداوند خواهند گرفت و ساکن بهشت خواهند بود و آنان هم که ظلم و گناه کرده‌اند، مطابق اعمال خود پاداشی بد خواهند گرفت و راهی جهنم خواهند شد. شاعر هم با الهام از این مفاهیم قرآن، بیان می‌کند که خداوند تمامی انسان‌ها را به سوی خود بازمی‌گرداند و به هر کس سزای کار خود را می‌دهد یعنی در حق هیچ انسانی ظلم نخواهد شد.

4-5: نمونه چهارم

متن حاضر:

وَأَطْلُبِ الْعِلْمَ وَلَا تَكْسَلْ فَمَا
أَبْعَدَ الْخَيْرَ عَلَى أَهْلِ الْكَسَلِ
(همان: 42)

«به دنبال علم و دانش باش و هرگز تنبلی مکن، زیرا خیر و نیکی از تنبلان بسیار دور است.»

متن غایب:

«يُرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله / 11)
«خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کسانی را که برایشان علم داده شد، درجه و مقامشان را

در نزد خود بالا می‌برد.»

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / 9)
«آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند؟!»

روابط بینامتنی:

قرآن کریم دانایان و عالمان را برتر از نادانان می‌داند و اهل علم و دانش را چنین معرفی می‌کند که آنان در نزد خداوند دارای رتبه و درجه‌ای والا هستند و هرگز با جاهلان و نادانان مساوی نیستند. ابن وردی هم بر ضرورت کسب علم تأکید می‌کند و آن را واجب می‌داند و همچنین بر این باور است که در این راه باید از تنبلی و سستی دوری کرد، زیرا انسان با تنبلی نه تنها از علم و دانش بلکه از هر خیر و نیکی‌ای دور می‌ماند.

5-5: نمونه پنجم

متن حاضر:

إِعْتَبِرْ «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ»
تَلَقَّاهُ حَقًّا وَبِالْحَقِّ نَزَلَ
(همان: 69)

«بدان که آیه شریفه «ما میانشان تقسیم می‌کنیم» حق است و به حق و راستی نازل شده است.»

متن غایب:

«أَمْ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلُوفًا وَرَحِمْتَ رِبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف / 32)



«آیا آنان (کسانی) هستند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند، ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.»

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود، 6)

«و هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر [این‌که] روزیش بر عهده خدا است.»
«قَسَمَ أَرْزَاقَهُمْ» (خطبه 90)

«خداوند روزی آنان را تقسیم کرده است.»

«غِيَالُهُ الْخَلَائِقُ ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَّرَ أَقْوَاتَهُمْ» (خطبه 91)

«مردم نان‌خورهای خدایوند هستند، خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر کرده است.»
روابط بینامتنی:

بنابر آموزه های قرآن کریم و نهج البلاغه، تنها کسی که سرنوشت انسان‌ها را مقدر و روزی آنان را معین می‌کند، خداوند متعال می‌باشد و خدا روزی تمام جاندارانی را که خلق کرده است، خواهد داد. شاعر هم با استناد به این مفاهیم، بیان می‌کند که ما باید مطمئن باشیم که خداوند روزی ما را تقسیم می‌کند پس باید از روی آوردن به غیر خدا پرهیز کرد و این یقین را در دل افکند که هیچ موجودی هرگز بی‌روزی نخواهد ماند.

5-6: نمونه ششم

متن حاضر:

لَا وَ لَا مَا فَاتَ يَوْمًا بِالْكَسَلِ لَيْسَ مَا يَحْوِي الْفَتَى مِنْ عَزْمِهِ
(همان: 71)

«هر آنچه را که انسان به دست می‌آورد، به خاطر تلاش و اراده او نیست و آنچه را که از دست می‌دهد و یا به آن نمی‌رسد، به خاطر تنبلی و کوتاهی او نیست.»

متن غایب:

«وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (انسان/30)

«و تا خدا نخواهد [شما] نخواهید خواست قطعاً خدا دانای حکیم است»

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران / 26)

«بگو بار خدایا تویی که فرمان‌فرمایی هر آن کس را که خواهی فرمان‌روایی بخشی و از هر که خواهی فرمان‌روایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه خوبی‌ها به دست تو است و تو بر هر چیز توانا هستی»
روابط بینامتنی:

قرآن کریم قدرت و اختیار انسان را در طول قدرت خداوند می‌داند. یعنی اگر خداوند اراده‌چیزی را نکند هرگز اتفاق نمی‌افتد. پس وقتی کسی می‌خواهد که کاری را انجام دهد و یا به موفقیتی برسد، باید قبل از او خدا بخواهد که آن کار انجام شود. این وردی هم در این مضمون، بر این عقیده است که موفقیت‌ها و شکست‌های انسان، قبل از او توسط خداوند مقدر می‌شود.

5-7: نمونه هفتم

متن حاضر:

إِطْرَحَ الدُّنْيَا فَمِنْ عَادَاتِهَا تَخْفِضُ الْعَالِي وَتُعَلِي مَنْ سَفَلَ
(همان: 73)

«دنیا را رها کن زیرا که او افراد والا را به پایین می‌کشد و اشخاص پست را بلند می‌کند.»
متن غایب:

«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» (انعام / 32)

«و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست.»

«وَعَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» (جاثیه / 35)

«زندگی دنیا شما را فریب داد.»

«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید / 20)

«و زندگی‌گانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.»

روابط بینامتنی:

قرآن کریم دنیا را نکوهش می‌کند و انسان‌ها را از دل دادن به آن بر حذر می‌کند. از دیدگاه قرآن زندگی دنیوی فانی و بازیچه است و از بین می‌رود اما با ظاهر شیرین خود انسان‌ها را فریب می‌دهد و از آخرت غافل می‌کند. دنیایی که در مقایسه با آخرت هیچ ارزش ندارد لذا بر انسان عاقل و مؤمن واجب است که به فکر آخرت خود باشد و از افتادن در دام دنیا دوری کند. ابن وردی هم بر ترک کردن دنیا تأکید می‌کند. از نظر او دنیا انسان را فریب می‌دهد و او را به خود مشغول می‌کند اما در آخر افراد شایسته و بزرگ را به زمین می‌زند و دون همتان و حقیران را به جاه و مال و مقام می‌رساند.

8-5: نمونه هشتم

متن حاضر:

أَيُّ كَفٍّ لَمْ تُفِدْ مِمَّا تُفِدْ فَرَمَا اللَّهُ مِنْهُ بِالشُّلْلِ
(همان: 82)

«هر دستی که از نعمت‌هایی که خداوند به او داده است، انفاق نکند، خداوند آن را فلج گرداند.»
متن غایب:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره / 254)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (بقره / 267)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای

شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید.»

روابط بینامتنی:

یکی از تعالیم والای قرآن، انفاق و کمک به بیچارگان و درماندگان می‌باشد. قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که جهت رضای خدا، از روزی‌ها و نعمت‌هایی که به آنان داده شده است در راه خدا انفاق کنند. شاعر هم همانند قرآن کریم بحث انفاق را مطرح می‌کند و به نوعی متفاوت انسان‌ها را به آن تشویق می‌کند. شاعر نیز آنان را که ثروت‌اندوزی می‌کنند و به دیگران کمک نمی‌کنند، نفرین می‌نماید، زیرا که این کار مخالف با دستورهای خداوند و موازین اخلاقی می‌باشد.

5-9: نمونه نهم

متن حاضر:

لا تَقُلْ أَصْلِي وَفَصْلِي أَبَدَا
إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ
(همان: 84)

«هرگز به آبا و اجداد و یا نوادگان و فرزندان افتخار مکن زیرا که افتخار انسان تنها به دست آوردها و اعمال او است.»

متن غایب:

«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / 39)

«برای انسان تنها حاصل تلاش اوست.»

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / 13)

«همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شما است.»

روابط بینامتنی:

از منظر قرآن کریم انسان تنها به آنچه دست آورد تلاش او است، می‌رسد و هر آنچه که او برای آن سعی و تلاش نکند ارزشی ندارد و نباید به خاطر آن به دیگران فخرفروشی کند. و همچنین بیان می‌کند که هیچ کسی نباید دیگری را به خاطر گذشتگان و یا قومیت و زبانش تحقیر کند و خود را برتر بداند چون که ارزش و برتری آنان در نزد خداوند به پرهیزکاری و کارهای نیک و پسندیده می‌باشد. ابن وردی هم مطابق قرآن، از تفاخر به اصل و نسب برحذر می‌کند و تنها افتخار انسان را دست آوردهای حاصل از تلاشش می‌داند.

5-10: نمونه دهم

متن حاضر:

بَيْنَ تَبْذِيرٍ وَبُخْلِ رُتْبَةٍ
فَكَيْلًا هَدَيْنَ إِنْ دَامَ قَتْلُ
(همان: 49)

«میان تبذیر و بخل رتبه و اندازه‌ای وجود دارد و هر دو آنها اگر ادامه داده شوند، انسان را

هلاک می‌کنند.»

متن غایب:

«وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان / 67)

«و کسانی هستند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند.»

«جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره / 143)

«شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.»

«وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء / 29)

«و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده که حسرت زده

بر جای مانی.»

«لَا تَرَىٰ الْجَاهِلِ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرَطًا» (حکمت / 70)

«نادان را یا تندرو می بینی یا کندرو.»

روابط بینامتنی:

قرآن کریم بر میانه روی در کارها دعوت می کند و از انسانها می خواهد که از افراط و تفریط بپرهیزند. از دیدگاه قرآن، امتی بهترین امتها است که میانه رو باشد، زیرا افراط و تفریط سبب حسرت و هلاکت می گردد. هم چنین از دیدگاه امام علی (ع) افراط و تفریط را کار نادانان می داند و این گونه انسانها را از آن برحذر می دارد. ابن وردی با استفاده از این اندرزهای زیبای، معتقد است که باید از اسراف و بخل دوری کرد، زیرا اگر هر کدام از اینها توسط شخصی انجام شوند، او را به نابودی می کشانند.

11-5: نمونه یازدهم

متن حاضر:

«وَ تَعَاوَلْ عَنِ أُمُورٍ إِنَّهُ لَمْ يَفْزُ بِالْحَمْدِ إِلَّا مَنْ عَقَلَ»

(همان: 51)

«و از عیبها و کارهای دیگران غافل باش، زیرا تنها کسی می تواند سپاس مردم و پاداش

خداوند را به دست بیاورد که خردمند باشد و به امور خود بیندیشد.»

متن غایب:

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه / 1)

«وای بر هر بدگوی عیبجویی یا کسی که عیب مردم را پخش می‌کند.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات / 12)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و از یکدیگر غیبت نکنید، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد.»

«مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اِشْتَغَلَ عَنِ عَيْبِ غَيْرِهِ» (حکمت 349)

«هر کس عیب خود را ببیند عیب دیگران را نمی‌بیند.»

روابط بینامتنی:

یکی از مسائلی که هم مخالف دستورهای خداوند و هم مخالف با وجدان انسانی و اصول اخلاقی است، غیبت کردن و در جستجوی عیب‌های دیگران بودن می‌باشد. به همین علت در برخی از آیات قرآن کریم، خداوند انسان‌ها را از عیب‌جویی و افشای اسرار دیگران برحذر می‌کند. و آن را همانند زشت‌ترین کارها می‌داند و با خوردن گوشت برادر یکی می‌داند. همچنین از منظر امام علی (ع) تمامی انسان‌ها دارای عیب هستند پس انسان باید به عیب خود توجه کند تا بر دیگران خرده نگیرد. ابن وردی هم به کراهت عیب‌جویی اشاره می‌کند و آن را مخالف با عقل و خرد می‌داند. بنا به نظر شاعر کسی که در پی عیوب دیگران است از مهر و محبت مردم و از لطف خداوند محروم می‌ماند.

5-12: نمونه دوازدهم

متن حاضر:

مِلَّ عَنِ النَّمَامِ وَاهْجُرَهُ فَمَا
بَلَغَ الْمَكْرُورَ إِلَّا مَن نَقَلَ

(همان: 104)

«از سخن‌چین روی گردان و از او دور شو زیرا کسی که عیب‌های مردم را به دیگران می‌گوید

دچار گناه و مکروه می‌شود.»

متن غایب:

«هَمَّازٌ مَّشَاءٌ بِنَمِيمٍ» (قلم / 11)

«که عیب‌جو است و برای خبرچینی گام برمی‌دارد (از او اطاعت مکن)».

«مَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِيَ ضَيْعَ الصَّدِيقِ» (حکمت / 239)

«هر کس سخن‌چین را پیروی کند دوستی را به نابودی کشاند».

روابط بینامتنی:

از منظر قرآن کریم سخن‌چینی یکی از زشت‌ترین کارها و بزرگ‌ترین گناهان می‌باشد. پس بر مؤمنان واجب است که علاوه بر پرهیز از سخن‌چینی، از افراد سخن‌چین نیز دوری کنند و هرگز از آنها پیروی نکنند. و از منظر امام علی (ع) وقتی انسان با سخن‌چین دوستی کند و از او پیروی کند، دوستانش از دست می‌دهد زیرا سخنان او هرگز درست نمی‌باشد. ابن وردی هم به ضرورت دوری از سخن‌چینی و سخن‌چینان اشاره می‌کند و بر این باور است که کسی که عیب‌دیگران را در میان مردم منتقل می‌کند، دچار گناه و زشتی می‌شود.

13-5: نمونه سیزدهم

متن حاضر:

دَارِ جَارِ الدَّارِ إِنْ جَارَ وَ إِنْ لَمْ تَجِدْ صَبْرًا فَمَا أَحْلَى النَّقْلِ

(همان: 107)

«اگر همسایه‌ات تو را آزار داد با او مدارا کن و اگر نتوانستی صبر کنی نقل مکان کن و به

جای دیگری برو.»

متن غایب:

«وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنْبِ وَ

الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء / 36)

«و به پدر و مادر، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و

هم‌نشین و در راه‌مانده و بردگان خود، احسان کنید.»

«أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَ أَسْعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء / 97)

«مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید».

«یا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت / 56)

«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید زمین من فراخ است پس تنها مرا بپرستید».

«اللَّهُ اللَّهُ فِي جِرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورُّهُمْ» (خطبه 47)

«برای خدا، برای خدا، برای خدا مراقب همسایگان خود باشید، زیرا آنان مورد وصیت و سفارش پیامبرتان هستند، او همواره دربارهٔ آنان سفارش می‌کرد تا آن‌جا که ما گمان بردیم می‌خواهد برای ایشان میراث قائل شود».

روابط بینامتنی:

قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد که بر همسایگان خود نیکی نمایند و آن‌ها را فراموش نکنند. هم‌چنین در برخی از آیات قرآن به این موضوع اشاره می‌شود که زمین خداوند گسترده است پس وقتی بر کسی در محل اقامتش ظلم و ستم می‌شود، باید از آن‌جا نقل مکان کند و به جایی دیگر برود. در نهج البلاغه هم توجه به همسایگان یک از والاترین فضایل می‌باشد، زیرا همواره مورد سفارش رسول اکرم (ص) قرار گرفته است. ابن وردی هم بر این عقیده می‌باشد که باید با همسایه-ای که اذیت‌کننده است، مدارا کرد و او را تا حد امکان تحمل نمود اما اگر نتوان صبر کرد، در این صورت بهترین کار تغییر مکان و مهاجرت به جای دیگر است.

5-14: نمونه چهاردهم

متن حاضر:

فَهُوَ كَالْمَجْبُوسِ عَنِ لَذَاتِهِ وَ كَيْلًا كَفَيْهِ فِي الْحَشْرِ تُغَلِّ

(همان: 114)

«پس او (قاضی ناعادل) مانند زندانی از لذت‌های زندگی محروم است زیرا به کارهای دیگران

مشغول است و هر دو دست او در قیامت به رنجیر کشیده می‌شود.»

متن غایب:

«وَمَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ لَمْ يُخْشَ اللَّهَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده / 44)

«و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند آنان خود کافران هستند».

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَ سَعِيرًا» (انسان / 4)

«ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم.»

روابط بینامتنی:

مطابق نص آیات، آنان که طبق قرآن و دستورهای خداوند قضاوت نمی‌کنند، همانا یقیناً کافر هستند. و هم‌چنین در سوره انسان بیان می‌کند که برای کافران زنجیر آماده شده است و آنان در قیامت به زنجیر بسته می‌شوند. ابن وردی از این مفاهیم استفاده کرده و چنین می‌گوید که قاضی‌ای که طبق فرمان‌های الهی حکم نمی‌کند و عدالت را رعایت نمی‌کند، کافر است و در قیامت دستانش با زنجیر بسته می‌شود.

5-15: نمونه پانزدهم

متن حاضر:

قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ مَا يُحْسِنُهُ أَكْثَرَ الْإِنْسَانِ مِنْهُ أَمْ أَقْلُ
 (همان: 90)

«ارزش انسان به زیاد یا کم کار کردن نیست بلکه به آن است که کار خود را به درستی و زیبا انجام دهد.»

متن غایب:

«قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» (حکمت 81)

«ارزش هر کسی به اندازه کاری است که به درستی و نیکویی انجام دهد.»

روابط بینامتنی:

امام علی (ع) ملاک ارزش و جایگاه انسان‌ها را تخصص و لیاقت آن‌ها می‌داند. از دیدگاه امام (ع)، ثروت و یا اصل و نسب هرگز نمی‌تواند دلیلی بر فضیلت و برتری صاحبش باشد بلکه هر کسی که از هر قشری از جامعه، زمانی ارزش و بزرگی‌اش ثابت می‌شود که وظیفه و کار خود را به درستی و به نحو احسن انجام دهد. شاعر هم با الهام از این حکمت گران‌قدر امام (ع)، درست‌کاری و تخصص را نشان ارزش و بهای آدمیان معرفی می‌کند.

5-16: نمونه شانزدهم

متن حاضر:

قَصِّرِ الْأَمَالَ فِي الدُّنْيَا تَفُزْ

فَدَلِيلُ الْعَقْلِ تَقْصِيرُ الْأَمَلِ

(همان: 122)

«آروزهای دنیوی را کوتاه کن تا موفق شوی زیرا که نشان عقل و خرد کوتاه کردن آرزو

است.»

متن غایب:

«مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلِ» (حکمت / 36)

«کسی که آرزویش را طولانی کند اعمال بد انجام می‌دهد.»

روابط بینامتنی:

از منظر امام علی (ع) طولانی بودن آرزو سبب ارتکاب به گناه و خسران می‌شود، زیرا کسی که عملش نیک نباشد هم در دنیا و هم در آخرت از خیر و نیکی و سعادت دور می‌شود. ابن وردی، مانند این نص نهج البلاغه، کوتاه کردن آرزو را راه رسیدن به رستگاری و خوشبختی می‌داند. از نظر او انسان خردمند هرگز در چنگال آروزهای دور و دراز نمی‌افتد و از آن دوری می‌کند.

نتیجه گیری

از آن چه گفته شد این نکته به دست می آید که پدیده تناس یا بینامتنی قرآن کریم و نهج البلاغه با لامیه ابن وردی به بهترین نحو صورت گرفته است، زیرا از مهم ترین آثاری که مفاهیم آنان به اشعار شاعران جهان اسلام منتقل شده، قرآن و نهج البلاغه است، زیرا قرآن کریم و نهج البلاغه همچون دریایی خروشان هستند که مضامین و مفاهیم والا و برتر را به بشر عرضه می دارند. مفاهیمی که کم ترین شک و تردیدی در صدق و درستی آنها نیست و همین دلیل، سبب شده است که اکثر شاعران از این دو منبع گران قدر در اشعار خود بهره جسته و برخی معانی ناب آنها را به رشته تحریر در آورند. از میان ادوار ادبیات عربی، دوره انحطاط، بارزترین دوره ای است که شاعران در آن به قرآن و مفاهیم دینی روی آورده اند. ابن وردی هم که یکی از شاعران دوره انحطاط می باشد، در لابه لای لامیه خود از موضوعات قرآن و نهج البلاغه استفاده کرده است، چون در این عصر به علت شرایط جامعه برخی از شاعران به دین و مسائل مربوط به آن روی آورده بودند. او در لامیه مشهور خود که آن را در هفتاد و هفت بیت به عنوان نصیحت نامه ای به فرزند خود سروده است، از بیشتر سخنان قرآن و نهج البلاغه استفاده کرده و برای غنای سخن خود از آنها مدد جسته است. او در برخی ابیات این لامیه، عین متن قرآن و یا نهج البلاغه را آورده و در برخی دیگر معنی و مفهوم آنها را در میان کلام خود گنجانده و به نحوی دیگر با این موضوعات موافقت کرده است. از موضوعاتی که ابن وردی از قرآن و نهج البلاغه استفاده کرده است می توان به گرایش به حق و طرف داری از آن، دوری از لهو و لعب و کارهای بیهوده، طلب علم و دانش، عدم دل بستن به دنیا، میانه روی در کارها و عدم افراط و تفریط، دوری از سخن چینی و غیبت، مدارا با همسایه و کوتاه کردن آروزها اشاره کرد.

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. آبدانان مهدی‌زاده، محمود، (۱۴۲۹ق)، «الحکمة فی شعر ابن الوردی»، آفاق الحضارة الإسلامية، العدد ۲۱.
4. امیری، جهانگیر، (۱۳۸۷ش)، تاریخ الأدب العربی فی العصرین المملوکی و العثماني، انتشارات سمت، تهران.
5. الزماکی، صلاح‌الدین، (۲۰۰۶م)، شرح لامية ابن الوردی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
6. الفاخوری، حنا، (1986م)، الجامع فی تاریخ الأدب العربی (الأدب القديم)؛ بیروت: دار الجیل، چاپ اول.
7. کنگرانی، منیژه، نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۸ش)، گونه‌شناسی روابط بینامتنی در شعر و نقاشی ایرانی، تهران: فرهنگستان هنر.
8. مختاری، قاسم، عربی، سجاد، (۱۳۹۱ش)، «بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر السیاب»، دانشگاه تهران: ادب عربی، شماره چهار.
9. مختاری، قاسم؛ محبی، سحر، (۱۳۹۳ش)، «بینامتنی قرآن و نهج البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلائی معری»، دانشگاه اراک: فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش‌های ادبی-قرآنی»، شماره اول.
10. مسبوق، سید مهدی؛ بیات، حسین، (۱۳۹۱ش)، «بینامتنی قرآنی در اشعار احمد شوقی»، دانشگاه یزد: فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، شماره دوم.